



از ائتلاف آمریکایی تا سقوط جنگنده روس

«داعش» نابودشدنی نیست

ترجمه: نفیسه کریمی؛ سقوط جنگنده‌های روسی، نابودی گروه تروریستی «داعش» را پس از بسیار دشوارتر از قبل کرده است. فرانسه در تلاش است تا جهان را پس از حملات ششش گانه پاریس علیه داعش متحد کند؛ امری که بسیار دشوار به نظر می‌رسد. در این میان سقوط جنگنده روسی توسط ترکیه تمامی معادلات را برهم زده است. سقوط این جنگنده روسی توسط ترکیه که گفته می‌شود در خاک سوریه در حال گشت‌زنی بوده، به خوبی نشان می‌دهد که چرا ائتلاف اطلاعاتی بین‌المللی برای نابودی گروهی که خود را «دولت اسلامی» می‌نامد، تا این حد محال به نظر می‌رسد. اکنون یک سال از زمانی که «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا، ائتلافی متشکل از ۵۰ کشور را با هدف نابودی داعش ایجاد کرد، می‌گذرد اما هنوز ائتلاف مؤثری از قدرت‌های بزرگ جهانی تشکیل نشده و توافقی قدرتمند برای نابودی این گروه تروریستی به وجود نیامده است.

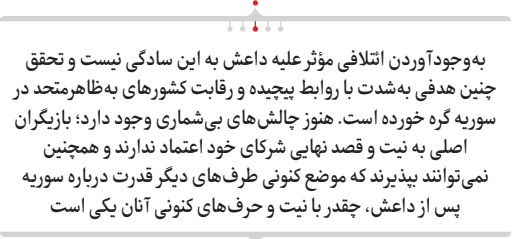
«فرانسوا اولاند» رئیس‌جمهوری فرانسه به شدت در حال راپزنی با مقامات جهانی است. او هفته گذشته به آمریکا سفر کرد و پس از آن به دیدار «ولادیمیر پوتین» همتای روسی خود رفت تا بتواند پس از حملات پاریس زمینه تحقق هدفش یعنی همان تأسیس ائتلافی جهانی را مهیا کند. اما هنوز چالش‌های بی‌شماری وجود دارد؛ بازیگران اصلی به نیت و قصد نهایی شرکای خود اعتماد ندارند و همچنین نمی‌توانند بپذیرند که موضوع کنونی طرف‌های دیگر قدرت درباره سوریه پس از داعش، چقدر با نیت و حرف‌های کنونی آنان یکی است.

«باری استرواس»، یکی از متخصصان نظامی در دانشگاه «کرنل»، در این‌باره می‌گوید: «به‌وجودآوردن ائتلافی مؤثر علیه داعش به این سادگی نیست و تحقق چنین هدفی به‌شدت با روابط پیچیده و رقابت کشورهای به‌ظاهرمتحد در سوریه گره خورده است، اما بدون‌شک اتفاق جدی پیش‌انداز می‌یر ترکیه و روسیه این بازی را نسبت به گذشته پیچیده‌تر می‌کند. آنکارا و مسکو به‌خوبی این پیچیدگی را به نمایش گذاشته‌اند و در اغلب موارد علیه یکدیگر کام برداشته‌اند؛ مسئله‌ای که اکنون فرانسوا اولاند با جدیت در تلاش است تا آن را مدیریت و مهار کند».

ایجاد ائتلاف ضدداعش به‌غایت شبیه آن چیزی است که ترکیه می‌خواهد، حذف «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، از قدرت؛ فردی که به با مقامات آنکارا دلیل اصلی شکل‌گرفتن چنین گروهی است.

ما‌ها زمان صرف شد تا تلاش‌های دیپلماتیک مداوم ایالات متحده برای متقاعدکردن آنکارا برای پیوستن به این ائتلاف نتیجه دهد، اما با وجود تمامی این تلاش‌ها هنوز اختلافاتی میان مواضع ترکیه و آمریکا به چشم می‌خورد. از دیدگاه آمریکا، مؤثرترین گروهی که می‌تواند علیه داعش بایستد، نیروهای کُرد سوری و عراقی است و دقیقاً همین دیدگاه باعث شد که آمریکا نیروهای ویژه خود را برای کمک به کردها به منطقه اعزام کند. اما ترکیه که جمعیت کرد فراوانی را در خود جای داده است، می‌ترسد که هرگونه قدرت‌گرفتن کردها در هر منطقه‌ای، برای آنکارا در داخل این کشور مشکل‌آفرین باشد. در حقیقت از این منظر، ترکیه دوست روسیه در نبرد با داعش به‌شمار می‌رود چراکه رضایت ترکیه در ازین‌بردن توأمان داعش و شورشیان کرد سوریه نهفته است.

استرواس بر این باور است که دیگر کشورهای منطقه نیز مانند ترکیه چندان از حضور داعش ناخرسند نیستند و عجله‌ای برای ازبین‌بردن این



به‌وجودآوردن ائتلافی مؤثر علیه داعش به این سادگی نیست و تحقق چنین هدفی به‌شدت با روابط پیچیده و رقابت کشورهای به‌ظاهرمتحد در سوریه گره خورده است. هنوز چالش‌های بی‌شماری وجود دارد؛ بازیگران اصلی به نیت و قصد نهایی شرکای خود اعتماد ندارند و همچنین نمی‌توانند بپذیرند که موضع کنونی طرف‌های دیگر قدرت درباره سوریه پس از داعش، چقدر با نیت و حرف‌های کنونی آنان یکی است

گروه ندارند چراکه این گروه ضد شیعیان نیز عمل می‌کند و می‌تواند در قبال قدرت ایران و دیگر گروه‌ها در منطقه نیز ایستادگی کند. دقیقاً به همین دلیل است که روسیه می‌گوید برای شکست «تروریست‌های» سوری وارد این جنگ شده است؛ نبردی که به باور تحلیلگران منطقه، بیشتر برای نابودی مخالفان اسد طرح‌ریزی شده است تا ازبین‌بردن داعش و تنها یک چهارم بمب‌های روسی علیه گروهی که رهبرش خود را خلیفه خطاب می‌کند، به کار گرفته می‌شود.

بنا بر همین دلایل می‌توان ترکیه و روسیه را در نبرد علیه داعش در یک

صحنه قرار داد؛ مسئله‌ای که بدون‌شک مسیر نابودی داعش را پریچ‌وخم

تنش در روابط روسیه و ترکیه تداوم خواهد داشت

رویارویی تزار روس با سلطان عثمانی

صلاح‌الدین هرسنی . تحلیلگر روابط بین‌الملل

شدند. در شرایطی که تنش‌ها در روابط دوجانبه دو کشور به جهت تحکرات مقابله‌جویانه روند تصاعدی می‌گرفت، غرب هم با استفاده از راهبردهای فرصت‌طلبانه تلاش می‌کرد ترکیه را به تحریم‌های ضدروسی به بهانه پرونده اوکراین بکشانند و برای عملی‌کردن این هدف هیأت‌هایی از آمریکا و اتحادیه اروپا را به آنکارا گسیل داشت. دراین‌میان تحریم‌های ضدروسی فقط حاصل تصمیم ترکیه نبود، بلکه اتحادیه‌اروپا و آمریکا نیز در آن نقش داشتند. این مسائل تنش‌های شدیدی را میان آنکارا و مسکو به وجود آورد، به‌گونه‌ای‌که مقامات طراز اول دو کشور یکدیگر را مسئول بروز وضعیت به‌وجودآمده می‌دانستند.

اما مجموعه دلایلی در این میان است که دلالت بر تداوم تیرگی در روابط روسیه و ترکیه دارد. این دلایل ریشه در بحران سوریه دارد. باوجود تلاش‌های دو کشور در جلوگیری از کاهش همکاری‌های دوجانبه، مسئله سوریه به‌عنوان علت اصلی بروز تنش، شکاف عمیقی را در روابط دو کشور به وجود آورد و نتوانست از تصاعد بحران موجود و تیرگی تدریجی جلوگیری کند. به‌واقع بحران سوریه دو کشور را وارد جنگ نیابتی کرد به این معنی که این بحران روسیه را در جبهه سوریه قرار داد و ترکیه را در جبهه ائتلاف ضدروسی و غرب.

روسیه که با هدف حمایت از دولت سوریه به جغرافیای پرتلاهب خاورمیانه ورود پیدا‌کرد، درصدد تعقیب اهداف راهبردی دیگری نیز هست. این اهداف راهبردی همان‌گونه که از نشا‌نگانش پیداست، چیزی جز هماوردی با غرب در لوی مبارزه با تروریسم داعش و به‌جالش‌گرفتن هژمونی غرب در منازعات خاورمیانه نیست. در حقیقت چه مستمسکی چون بحران سوریه و خطر تروریسم روبه‌تصاعد داعش می‌توانست این فرصت را برای حضور در خاورمیانه و جبران مافات در اختیار روسیه، آن‌هم برای ترمیم زخمی بزرگ قرار دهد که غرب به‌ویژه آمریکا در روزگاران جنگ سرد و پس‌انگ سرد بر این کشور وارد کرده بود؟

مهم‌ترین نشانه‌های این اهداف راهبردی هم مبارزه با مخالفان دولت سوریه به‌ویژه داعش، آن‌هم بعد از سقوط هوایمای مسافربری‌اش در صحرای سینیا بوده است. از سوی دیگر، کدام شرایط عینی بهتر و مؤثرتر از ترکیه می‌توانست توجیه‌کر کنش‌ها و الگوهای رفتاری رهبران کرملین در جنگ‌های نیابتی و حضور در خاورمیانه با هدف مقابله با غرب به‌ویژه آمریکا باشد؟ به‌این‌ترتیب ترکیه غیرمستقیم توجیه‌گر ایجاد تنش در بستر بحران روسیه و غرب با توجه به اقدامات مقابله‌جویانه‌اش در جغرافیای پرتلاهب خاورمیانه شد و روسیه هم منازعه نیابتی با این کشور را به جهت تحقق منوایش در خنثی‌سازی راهبردهای آمریکا در صدر اولویت‌های

جهان



یادداشت

بازگشت به نقطه غیرقابل بازگشت

تفاوت بسیار زیادی میان سرنگون‌کردن یک جنگنده سوری از نوع قدیمی مستهلک که عمر آن پایان یافته است، با سرنگون‌کردن یک جنگنده روسی و کشته‌شدن خلبان آن به دست نیروهای موردحمایت آنکارا وجود دارد. پیش‌تر مسئولان ترکیه‌ای با ورود جنگنده‌های روسی به چند کیلومتر داخل مرزهای ترکیه کنار آمده بودند اما اخیراً جنگنده روسی طبق گزارش «نیویورک‌تایمز» فقط چند ثانیه وارد حریم هوایی ترکیه شده بود. این کنارآمدن ترکیه در اوج حکمت و خویشتن‌داری بود و معلوم نیست چرا ترکیه این استراتژی را تغییر داد و به دو جنگنده اف ۱۶ خود دستور داد تا جنگنده روسی را سرنگون کنند. آیا ترکیه «از عمد» خواسته است به تحریک آمریکا جرقه جنگ با روسیه را بزند؟ یا «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه، آنکارا را با فرستادن این جنگنده برای کشاندن ترکیه به یک جنگ منطقه‌ای تحریک کرد؟ هیچ جوابی برای این پرسش نداریم، اما چیزی که می‌توانیم بگیریم این است که رئیس‌جمهوری روسیه برایش دشوار خواهد بود که چنین اهانتی را همم کند و به روشی شدیدتر به آن پاسخ ندهد. تحسارِ گذشته‌نشان داده که او به‌هیچ‌وجه در گرفتن انتقام چه به صورت مستقیم یا به صورت نیابتی تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

خبرگزاری رسمی روسیه سه‌شنبه گذشته به نقل از رئیس‌جمهوری این کشور گزارش داده بود که «سرنگون‌کردن جنگنده، خنجرزدن به روسیه از پشت توسط کسانی بود که با تروریست‌ها تبانی کرده‌اند، این سخنان در دیدار با «عبدالله دوم» پادشاه اردن در سوچی مطرح شد و «ولادیمیر پوتین» هشدار داد که این مسئله پیامدهای خطرناکی برای روابط دو کشور خواهد داشت.

اکنون باید بحران دیپلماتیک میان مسکو و آنکارا را از دو منظر بررسی کرد؛ اول اینکه این بحران چه تأثیری می‌تواند بر مسئله سوریه بگذارد و آیا می‌تواند باعث تغییر معادلات در این کشور شود؟ و دوم اینکه این بحران چه تأثیری بر روابط دوجانبه میان دو کشور خواهد داشت؟ در درجه اول باید گفت با توجه به وقوع این اتفاق، احتمال افزایش حمایت روسیه از حزب «اتحاد دموکراتیک سوریه» (کردهای سوریه) وجود دارد و دیگر روسیه ضرورتی احساس نخواهد کرد که این حمایت را محرمانه نگه دارد. در واقع این بحران می‌تواند به نفع حزب اتحاد دموکراتیک سوریه باشد و قدرت این حزب را افزایش دهد.

در دومین بعد اگر بخواهیم تأثیر این بحران دیپلماتیک را بر روابط مسکو – آنکارا بررسی کنیم، باید اعلام کنیم که نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم این بحران باعث اوج‌گیری تنش‌ها میان دو کشور شود زیرا بیش از هر مسئله‌ای هر دو کشور به اندازه کافی در سوره با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو هستند و هر دو نمی‌خواهند چالش دیگری برای خود ایجاد کنند. همچنین روابط دو کشور بر پایه منافع سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای استوار است.

همچنین این نکته را نباید فراموش کنیم که بروز چنین بحرانی و افزایش تنش‌ها میان مسکو و آنکارا تنها می‌تواند برای داعش سودمند باشد و مقامات هر دو کشور این مسئله را به‌خوبی می‌دانند. در واقع مواضع اخیر آمریکا برای معتدل‌کردن فضا میان روسیه و ترکیه نیز از همین مسئله نشئت می‌گیرد. آمریکا نمی‌خواهد به عنوان بخشی از این بحران درآید و عوارض ناشی از این بحران را بپذیرد. پس نمی‌توان انتظار داشت که تنش موجود میان روسیه و ترکیه به یک نقطه غیرقابل‌برگشت برسد بلکه می‌توان تنها به تحت کنترل قرارگرفتن بحران میان دو کشور امیدوار بود.

نگاه

مسکو؛ پیروز میدان جدیدنبرد

ونداد الوندی‌پور

بعد از ماجرای ساقط‌شدن جنگنده روس توسط نیروی هوایی ترکیه، همه نگاه‌ها به سمت روسیه و واکنش نظامی احتمالی‌اش چرخید و برخی از اقتدار نظامی ترکیه گفتند و عده‌ای درباره برنده نهایی این جدال گمانه‌زنی کردند و منتظر واکنش روسیه شدند، اما کمتر کسی متوجه بود که برنده این جدال در همان روز اول مشخص شد: روسیه.

«رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه که در چهارسال اخیر نشان داده علاقه خاصی به قمار در عرصه سیاست دارد، با هماهنگی و به احتمال ضعیف، دستور پنتاگون، جنگنده روس را سرنگون و سپس اصرار کرد که علت این حرکت غنادآمیز، نقض‌شدن حریم هوایی‌اش توسط جنگنده روس و بی‌توجهی آن به هشدارهای نیروهای ترک بود؛ ادعایی که بهانه‌بودنش مشخص است، چراکه حتی اگر چنین شده بود، نباید به سمت جنگنده روس شلیک می‌کردند، زیرا اولاً واردشدن به حریم هوایی ترکیه، نفعی برای روسیه ندارد که اصراری در این‌کار داشته باشد و دوما واردشدن جنگنده‌ای که در مناطق مرزی عملیات می‌کند به حریم هوایی کشور ثالث بی‌طرف به مدت چندثانیه، امری معمول است و در شرایط عادی، به‌هیچ‌وجه به سمتش شلیک نمی‌شود؛ مگر اینکه بپذیریم ترکیه، کشور بی‌طرفی نیست، که واقعیت امر همین است. (خبرگزاری راشاتودی در گزارشی نوشت: فقط در سال ۲۰۱۴، ترکیه بیش از دوهزارو ۲۰۰ بار حریم هوایی یونان را نقض کرد. نقض دائم حریم هوایی سوریه توسط جنگنده‌های ترک در این چندسال هم که امری محرز است).

بنابراین باید با اطمینان پذیرفت که اقدام جنگنده ترکیه، عمدی و با هماهنگی پنتاگون و پایگاه «اینترلیک» ناتو انجام شد. اما این حرکت، چه تصمیم‌گیرنده اصلی‌اش خود ترکیه بوده باشد، چه پنتاگون، اشتباهی کودکانه بود؛ اشتباهی که باعث شد روس‌ها با دادن تنها دو نفر-تلفات (یکی از خلبانان و یکی از نیروهای گروه امدادی که برای نجات خلبان دوم اعزام شده بود) و یک جنگنده، امتیازات مهمی به دست بیاورند؛ چیزی که باعث می‌شود آنها را قاطعانه برنده این دعوا بدانیم.

قبل از هرچیز باید یادآور شوم که نیروی هوایی روسیه، دو روز بعد از ساقط‌شدن جنگنده‌اش توسط ترکیه، حداقل ۴۰ کامیون را که از ترکیه وارد سوریه شده بودند، بمباران و نابود کرد که دراین‌میان هفت راننده ترکیه‌ای کشته شدند. این خبر را نخست خبرگزاری «آتاتولی» و سپس «رویتز» منتشر کردند. اما خبرگزاری‌های روسیه آن را بزرگ نکردند و رسانه‌های غربی هم تصمیم گرفتند روی آن مانور ندهند. نتیجه اینکه خبر در تیترا اصلی خبرگزاری‌های مهم غرب قرار نگرفت (که این به‌نفع روسیه بود). اما این واقعیت را عوض نکرد: مسکو دست به یک اقدام نظامی نه‌چندان‌کوچک انتقام‌آمیز زده بود. اما دلایل اصلی برنده‌بودن روسیه چیست؛ مسکو چندساعت پس از ساقط‌شدن هوایمایش، اعلام کرد که سیستم دفاع موشکی اس-۴۰۰ را در سوریه مستقر می‌کند و نیز جنگنده‌های جدیدی به سوریه وارد کرده و آنها را با اسکوتر جت‌های جنگی به عملیات می‌فرستد و ازاین‌پس، هر خطر بالقوه‌ای را که در نزدیکی جنگنده‌هایش تشخیص دهد، بی‌درنگ سرنگون می‌کند. به بیان دیگر، مسکو نه‌تنها به بهانه اقدام خام ترکیه، یک سیستم ضدهوایی بسیار پیشرفته در سوریه مستقر و ناوگان جنگی هوایی‌اش را در این کشور تکمیل کرد، بلکه قانون جدیدی را برای طرف مقابل، یعنی ترکیه و کلاً آمریکا و متحدانش در ناتو تعیین کرد و خط‌نشان جدیدی برای آنها کشید: «اینکه اگر ازاین‌پس در سوریه سربه‌سر روسیه بگذارید، بی‌درنگ مورد حمله قرار می‌گیرید».



موضوع دیگری که به‌نفع روسیه بود، دوری جستن نه‌چندان تلویحی اعضای اصلی اروپایی ناتو از ترکیه در این جدال بود. درست است که رئیس‌جمهور آمریکا، «باراک اوباما» و رئیس‌ناتو، «بنس استولتنبرگ»، در همان ابتدای کار از ترکیه حمایت کردند، اما اخباری که از داخل نشست ناتو در ایتالیا منتشر شده، حاکی از نارضایتی جدی فرانسه، آلمان و برخی دیگر از اعضای ناتو نظیر یونان و تا حدی انگلیس از اقدام ترکیه است. خبرگزاری نووستی گزارش داد که نماینده فرانسه در اجلاس ناتو، ضمن اعتراض به ترکیه گفت: «اقدامات این کشور عملیات ائتلاف ضدداعش را خنثی می‌کند». کار تا جایی بالا گرفت که معاون صدراعظم آلمان، «زنگمار گابریل» که پس از «انگلا مرکل» مهم‌ترین مقام این کشور مهم ناتو است، علناً ترکیه را سرزنش کرد. اینها یعنی شکاف در ناتو به‌نفع روسیه؛ یعنی حمایت ضمنی اروپا از روسیه در سوریه. به‌خصوص اینکه حوادث پاریس هم باعث نزدیک‌شدن اجباری مواضع روسیه به مسکو شده است، شاید حتی این احتمال مطرح باشد که کشورهای اروپایی، با توجه به اقدامات ترکیه، خواهان اخراج این کشور از ناتو شوند اما این تنها یک احتمال است اما چیزی که بااطمینان می‌توان از آن سخن گفت این است که اقدام ترکیه، مسلماً ضربه‌ای اساسی به سودای عضویت این کشور در اتحادیه اروپا وارد کرد.

کشته دیگر، موضوع افکار عمومی دنیاست. مردم دنیا که شاهد جنایات داعش بوده‌اند، به صراحت می‌بینند که ترکیه، با حمایت آمریکا، جنگنده روسی را که در حال بمباران داعش و دیگر شبه‌نظامیان بنیادگرا در سوریه بوده، سرنگون می‌کند و از آن طرف، از داعش نفت می‌خرد و برای آنها سلاح و نفر اعزام می‌کند. نتیجه این محاسبه در افکار عمومی دنیا، به محبوب‌شدن روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی مسئول که باجنایتکاران بنیادگرا مبارزه می‌کند و محکوم‌شدن ترکیه به‌عنوان کشوری که حامی داعش و بنیادگرایی است ختم می‌شود. همه اینها در حالی است که ترکیه، با شلیک به هوایمای روس و سرنگون‌کردن آن، یکی از برگ‌های مهمی را که برای ادامه بازی در اختیار داشت، یعنی اینکه به‌عنوان عضو ناتو می‌تواند برای نیروهای روس دردسرر ایجاد کند، را رو کرد و درواقع سوزاند. با توجه به موارد فوق، شکی باقی نمی‌ماند که روسیه، برنده قطعی جدالی است که با اقدام ساده‌لوحانه آنکارا آغاز شد و به ضرر این کشور، پنتاگون، ناتو و البته داعش تمام شد.